



بررسی گفتمان‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در جنبش ترامپ بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

زهره امان‌اللهی^۱، معصومه اسمعیلی^۲، مریم سلگی^۳

۳۷

دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۷
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۴/۲۶

صص: ۳۵-۵۹

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی فرکلاف در پی استخراج گفتمان‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناسی در جنبش ترامپیست بود. تحلیل در سطح توصیف نشان‌دهنده کاربرد گسترده ترامپ از هم‌آیی واژگان قدرت؛ استفاده از کلمات تابو و تحقیر مخالفان، کنایه، تکرار و تأکید، زبان غیر رسمی، استفاده از ضمائر من و ما و وجهیت اخباری و امری است، در سطح تفسیر وی در بافتار خلا و نقص لیبرال دموکراسی آمریکایی ترویج کننده جنبش پوپولیسم ملی‌گرا و اقتدارگرایانه (تسلط‌گرایانه) ای است که بیش‌ازپیش با بهره‌مندی از شکاف‌های واضح لیبرال دموکراسی در حرکت به‌سوی مولود خلف خود نئوفاشیسم نزدیک می‌شود؛ چنین وضعیتی در سطح تبیین، گفتمان‌های ترامپ را در قالب ترامپ منجی و ابرقهرمان جهانی؛ آمریکا برقرارکننده صلح جهانی با ابزار زور و قدرت، تعیین سرنوشت سایر ملل، دشمن‌تراشی و بیگانه خواندن هر آنکه در سیاست‌های ترامپ و در منافع او جایی نداشته باشد، بیرون راندن غیر سفیدپوستان از آمریکا و شکل‌دهی آمریکا به‌عنوان کشوری سفیدپوست و مسیحی و در آخر تروریست انگاری مسلمانان در سطح وسیع را نشان می‌داد. چنین گفتمانی منتج به پیامدهای فجیع در روابط انسانی؛ اعتماد درونی انسان به زیست خود؛ احساس عدم هویت و از بین رفتن امید به آینده بشریت همانند شرایطی که در خاورمیانه در جریان است می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گفتمان‌های روان‌شناختی، گفتمان‌های جامعه‌شناختی، جنبش ترامپیسم، دونالد ترامپ، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف.

۱. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء تهران، ایران (نویسنده مسئول)

z.amanollahi@alzahra.ac.ir

۲. استاد گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء تهران، ایران

مقدمه

گفتمان نوعی عمل اجتماعی است که پیوند میان رویدادهای زبانی و ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهد و نشان می‌دهد زبان در قالب‌هایی سازمان‌یافته به کار می‌رود که افراد در حوزه‌های مختلف اجتماعی از آن پیروی می‌کنند. گفتمان شیوه‌ای برای سخن گفتن و فهم جهان یا بخشی از آن است (یزدی، ۱۳۹۸). قدرت‌های مسلط در جامعه گفتمان‌ها را تولید و در ذهن توده‌ها نهادینه می‌کنند و گفتمان ابزاری برای تحقق اهداف قدرت در نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است (چرنیاوسکی، ۲۰۲۴). تحلیل گفتمان انتقادی با بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، گفتمان‌های طبیعی شده را آشکار کرده و هژمونی آن‌ها را به چالش می‌کشد. این رویکرد علاوه بر تأثیرگذاری بر ساختارهای اجتماعی، بازتاب‌دهنده آن‌ها نیز هست (عزیزخانی و شاملی، ۱۴۰۰).

نهادهای سیاسی بیش از دیگر نهادها مستقیماً با قدرت و تولید گفتمان برای هدایت اذهان و تحقق اهداف برنامه‌ریزی‌شده در ارتباط‌اند (دایرگ، ۲۰۱۲). در جهان امروز گفتمان‌سازی کلان توسط کشورهای قدرتمند شکل می‌گیرد و بر ذهنیت جهانی اثر می‌گذارد. نهادهای سیاسی با ایجاد گفتمان‌های هدفمند، ایدئولوژی حاکم را تثبیت کرده و مسیر تفکر عمومی را در راستای منافع خود هدایت می‌کنند (قهرمانی و بیدار، ۱۳۹۸).

یکی از قدرت‌های فعال در گفتمان‌سازی جهانی، ایالات متحده آمریکا است که با تمرکز قدرت و ثروت و ورود به مناطق مختلف جهان، هژمونی «آمریکای بزرگ» را دنبال می‌کند. نظام سیاسی آمریکا تحت هر رئیس‌جمهور خط‌مشی خاصی دارد که در چارچوب توسعه امپریالیسم قرار گرفته و بازتاب‌دهنده دیدگاه فردی رئیس‌جمهور است. این پژوهش بر گفتمان‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دونالد ترامپ تمرکز دارد؛ کسی که در دو دوره ریاست جمهوری خود پیام‌ها و شعارهای ویژه‌ای را در راستای نظم مطلوب امپریالیسم و مبتنی بر پیش‌فرض‌های لیبرال‌دموکراسی پیگیری کرده است.

ترامپ فردی با سیاست و اندیشه پیش‌بینی‌ناپذیر است و تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهند شخصیت او ثبات روایی و قابلیت پیش‌بینی در گذر زمان را ندارد. او میان گذشته و حال ارتباطی نمی‌بیند و تنها بر آنچه در لحظه به موفقیت منجر شود تمرکز می‌کند؛ همچون بوکسوری که هر دور را آخرین فرصت خود می‌پندارد. این ناپیوستگی اجازه شکل‌گیری روایتی منسجم از زندگی‌اش را

نمی‌دهد؛ او تغییر نمی‌کند، نمی‌آموزد و چیزی را از گذشته به حال منتقل نمی‌کند. ترامپ خود را «نابغه پایدار» می‌نامد و هر روز را با لوحی سفید آغاز می‌کند، نه به دلیل اختلال شناختی بلکه بر اساس انتخابی آگاهانه؛ زیرا دیروز تنها زمانی اهمیت دارد که در پیروزی امروز نقشی ایفا کند (مک‌آدامز، ۲۰۲۱).

شعار محبوب ترامپ، «آمریکا را دوباره بزرگ کن»، روایتی فرهنگی می‌سازد: آمریکا زمانی بزرگ بود، سپس سقوط کرد و اکنون باید عظمت خود را بازیابد. ترامپ به راحتی ویژگی‌هایی مانند «مبارز» یا «قهرمان» را به خود نسبت می‌دهد و از درکی روان‌شناختی نسبت به نگاه دیگران برخوردار است؛ اما این نسبت‌دادن‌ها ایستا هستند، گویی حال حاضر برای او وضعیتی دائمی است. تمرکز او بر لحظه اکنون است تا در هر «اپیزود» پیروز شود. این رویکرد اپیزودیک او را از قیود اخلاقی رایج آزاد می‌کند؛ ناسازگاری گفتار دیروز و امروز برایش اهمیتی ندارد. برای ترامپ «حقیقت» امری ابزاری است: آنچه امروز به پیروزی کمک کند، حقیقت است؛ و اگر فردا ضد آن مفید باشد، غیر A حقیقت خواهد بود (مک‌آدامز، ۲۰۲۱).

بر اساس طبقه‌بندی وایت، کارزار ۲۰۱۶ ترامپ نوعی گفتمان آنارشی بود؛ او گذشته‌ای دورتر و رها از «سیستم فاسد کنونی» را مطلوب می‌دانست و خواستار نابودی ساختار سیاسی موجود بود. او از آمریکایی‌ها می‌خواست به زمانی بازگردند که دولت کوچک‌تر، مقررات کم‌تر و بازار آزاد مسلط بود و وعده می‌داد عظمت ازدست‌رفته را احیا کند. این موضع شکافی جدی در گفتمان سیاسی آمریکا ایجاد کرد؛ زیرا از دوره روزولت تاکنون، سیاست‌مداران even—با وجود اختلاف حزبی—بر اصلاح تدریجی درون سیستم تأکید کرده‌اند. ترامپ این سنت لیبرال را به چالش کشید و گفتمان او غیرلیبرال و حتی آنارشستی بود. او دوران طلایی پیش از اصلاحات سده بیستم را آرمانی می‌دید و خود را چون «پادشاهی طلایی» فراتر از قانون تصور می‌کرد. «قاعده طلایی مذاکرات» او—«کسی که طلا دارد قانون را می‌نویسد»—نشان می‌دهد که ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهوری آنارشست، با اتکا به قدرت و ثروت، در پی بر ساخت قواعدی جدید برای آمریکا بود (مرسیکا، ۲۰۱۸).

آشکروف (۲۰۱۶) در پژوهشی شخصیت ترامپ را ضداجتماعی و نارسیتیک توصیف می‌کند و شواهدی ارائه می‌دهد: احتمال سوءاستفاده از قدرت، تمایل به محدودکردن رسانه‌های منتقد، بی‌اعتنایی به مشاوره («مشاور اصلی من خودم هستم»)، واکنش‌های شدید و حتی خشونت‌آمیز به

تهدیدها، تصمیم‌گیری‌های متناقض و تکانشی، وعده‌های عمل‌نشده و دروغ‌گویی مکرر — به‌طوری که طبق گزارش پولیتیکو او در میانگین هر پنج دقیقه یک بار دروغ گفته است. چنین ویژگی‌هایی در قدرت می‌توانند خطرآفرین باشند، به‌ویژه که نمونه‌های مشابه در میان سیاستمداران جهان نیز دیده می‌شود. مطابق کتاب «مارهای کت‌وشلواری»، تیپ‌های سایکوپات در نهادها به دلیل انگیزه قدرت رشد می‌کنند و اگر ترامپ شکل افراطی این الگو باشد، واگذاری قدرت به او تهدیدی جدی برای ثبات جهانی است (اشکروف، ۲۰۱۶).

مطالعات دانشگاهی اجماعی درباره شخصیت «بسیار غیرمعمول» ترامپ نشان می‌دهند: برون‌گرایی بالا، سازگاری و مسئولیت‌پذیری پایین، ثبات عاطفی پایین و خودشیفتگی شدید (نی و مایر، ۲۰۲۱). او در باور به کنترل رویدادها یک انحراف معیار بالاتر از میانگین است و مانند رهبران دارای این ویژگی، گمان می‌کند «بهترین راه را می‌داند». رفتار انتخاباتی و پس از قدرت نیز این ویژگی را تقویت می‌کند؛ چنان‌که بارها درباره هوش خود مباحث کرده است. ترامپ همچنین در بی‌اعتمادی بیش از شش انحراف معیار بالاتر از حد معمول امتیاز می‌گیرد و دیگران را تهدیدآمیز و خصمانه می‌بیند. فاستر نشان داد بی‌اعتمادی ترامپ در کارزار ۲۰۱۶ بیش از هر رئیس‌جمهور پس از جنگ جهانی دوم بوده است (فیتسیمونز، ۲۰۲۲).

براساس پنج ویژگی بزرگ شخصیت، ترامپ فردی بسیار برون‌گراست؛ خصیصه‌ای که رویکرد بی‌محابا، رفتار غیرمتعارف و اعتمادبه‌نفس افراطی او را در سیاست توضیح می‌دهد. او در ویژگی توافق‌پذیری امتیاز بسیار پایینی دارد و شخصیتی انتقادی، ستیزه‌جو و فاقد همدلی نشان می‌دهد. حملات شخصی، بلاغت تند و تصویر بدبینانه او از کشور بازتاب این ویژگی‌هاست. ترامپ اغلب فردی حساس، عجول و کم‌تجربه در سیاست توصیف می‌شود و در نتیجه از نظر وظیفه‌شناسی نیز امتیاز پایینی دارد؛ شخصیتی کم‌اعتماد، بی‌نظم و خودمحور. نمرات بسیار پایین او در ثبات عاطفی نیز تأیید شده و تنها در ویژگی «گشودگی» به سطحی متوسط می‌رسد (نای، ۲۰۱۹). بااین‌حال، ترامپ بنیان‌گذار جنبش «ترامپیسزم» است؛ جنبشی که فهم آن بدون در نظر گرفتن نقش محوری شخص ترامپ ممکن نیست.

ایدئولوژی ترامپ و جنبش ترامپیسیم

برخی ترامپیسیم را با جکسونیسم مقایسه کرده‌اند؛ جایی که اندرو جکسون خود را قهرمان «مردم عادی» می‌دانست و با نخبگان می‌جنگید. با این حال، ترامپیسیم با وجود شباهت‌هایی مانند تحقیر نخبگان، میهن‌پرستی تهاجمی و جذب رأی‌دهندگان سفیدپوست مناطق روستایی، از جهات مهمی متفاوت است. ترامپیسیم جهانی‌شدن و انترناسیونالیسم را به‌طور صریح رد می‌کند و گذشته‌ای آرمانی را احیا می‌طلبد که در آن زندگی برای طبقه کارگر سفیدپوست آسان‌تر بود. ترامپ راه نجات این طبقه را مقابله با نظم اقتصادی لیبرال پسا جنگ و برهم‌زدن قراردادهای تجاری، بازنگری توافقاتی موجود و فشار بر کشورهای مانند چین و مکزیک می‌دانست (تامپسون، ۲۰۱۷).

«اول آمریکا» عنوان سیاست خارجی ترامپ است؛ شعاری با ریشه در ناسیونالیسم محافظه‌کار پیش از جنگ سرد که خواهان دوری آمریکا از درگیری‌های خارجی بود. ترامپ نیز به‌طور متناقضی اهمیت ناتو و اتحاد با ژاپن و کره جنوبی را کم‌رنگ جلوه داد و نظم جهانی لیبرال—شبکه اتحادها، توافقاتی آزاد تجاری و نهادهای بین‌المللی—را به سود دیگر کشورها و نخبگان جهانی و به زیان طبقه کارگر آمریکا دانست. با این حال، برخلاف شباهت‌های ظاهری «اول آمریکا» با دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، شرایط دوره ریاست‌جمهوری ترامپ کاملاً متفاوت است (تامپسون، ۲۰۱۷).

پوپولیسم هسته اصلی ترامپیسیم است. این جریان حاصل تحولات طبیعی سیاست پس از شکست مداخلات خارجی دولت بوش و بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ است؛ دورانی که پیامدهای منفی جهانی‌شدن و مهاجرت، زمینه رشد پوپولیسم راست‌گرا را فراهم کرد. از دهه ۱۹۹۰، گرایش‌های ایزوله‌طلبانه به تدریج وارد جریان اصلی سیاست شدند و در دوره ترامپ، این رویکرد به‌طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفت. در ترامپیسیم، سیاست خارجی نخبگان «فاسد» برخلاف منافع «مردم واقعی» بوده و هویت اصیل آمریکایی را تضعیف می‌کند. ترامپ پس از ورود به قدرت، کوشید ورود شهروندان چند کشور مسلمان را ممنوع کند و بلاغت ضد مهاجرت او بر دیگران و حمایت از «مردم آمریکا» استوار بود.

ترامپیسیم نظم جهانی لیبرال را ساختاری نخبگانی می‌داند و خواستار بازسازی منافع آمریکا از طریق تقویت حاکمیت ملی، خروج از سازمان‌های فراملی (یونسکو، سازمان ملل، ناتو)، کاهش بودجه‌ها، کنترل مرزها و مبارزه با مهاجرت غیرقانونی است (وو و لی، ۲۰۲۰). در این گفتمان،

«مردم شریف آمریکا» عمدتاً به سفیدپوستان محدود می‌شود و ترامپ مخالفان و مهاجران را با الفاظ تحقیرآمیز توصیف می‌کند. او در سخنرانی‌هایی در فورت براگ و اوهایو، مهاجران را «حیوان» یا حتی «نه‌انسان» خواند و مدعی شد کشورها افراد «نامطلوب» را به آمریکا می‌فرستند. چنین اظهاراتی نشان می‌دهد ترامپ‌پسِم پوپولیسمی کننده و مبتنی بر مرزبندی شدید میان «مردم» و «دیگران» است.

ایدئولوژی ترامپ‌پسِم با محوریت شخص دونالد ترامپ در پی ایجاد گفتمان‌هایی در سطح جامعه آمریکا و نظام جهانی است که نگرش به مسائل اجتماعی، سیاسی، ملی، فرهنگی و دینی را شکل می‌دهد. از آغاز ریاست جمهوری او در ۲۰۱۶ تاکنون پژوهش‌های متعددی جنبش منسوب به وی را بررسی کرده‌اند، اما مطالعات روان‌شناسی و انسان‌شناسی که بر گفتمان‌های روانی و اجتماعی اثرگذار بر نظام فکری و پارادایم سیاسی و اجتماعی تمرکز داشته باشند، انجام نشده است. با توجه به تقابل ترامپ با جمهوری اسلامی ایران، از جمله جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل و مداخلات مکرر آمریکا، شناخت گفتمان‌های او و هوادارانش برای تحلیل روابط و کنش‌های بین‌المللی و تعامل با جامعه ایرانی-اسلامی اهمیت بیشتری یافته است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر یک مطالعه تحلیلی-توصیفی است که از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف بهره می‌برد. فرکلاف تعریف میشل فوکو از گفتمان را با تحلیل نظام‌مند متنی و زبان‌شناختی ادغام کرده و معتقد است ساختارهای کلان جامعه، ساختارهای خرد گفتمانی را بازتولید می‌کنند؛ به این ترتیب تحلیل گفتمان انتقادی او به بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد (بهرامی رهنما و آریان، ۱۳۹۹).

مدل فرکلاف یک ابزار مسئله‌محور برای تحلیل نظام‌مند گفتمان سیاسی است و سه بُعد دارد: تحلیل متن، تحلیل کردار گفتمانی و تحلیل کردار اجتماعی (سبیر، ۲۰۲۳). داده‌های پژوهش از متن صحبت‌های ترامپ در شبکه‌های اجتماعی ایکس، اینستاگرام و تروث، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها از

1 <https://dnws.ir/003A3B>

2 https://www.huffpost.com/entry/donald-trump-migrants-not-people_n_65f73fe9e4b0b4d0b899d4b4

سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵، از جمله مراسم تحلیف، استخراج می‌شوند. ترامپ با هدف بازپس‌گیری ارتباط با مردم و طبقه کارگر، شبکه‌های اجتماعی شخصی خود را ابزار اصلی اطلاع‌رسانی قرار داده است.

پس از گردآوری و ترجمه متون، تحلیل در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مطابق مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف انجام می‌شود.

سطح توصیف

به اعتقاد فرکلاف، این مرحله شامل تحلیل ویژگی‌های زبانی متن—واژگان، دستور و انواع کنش‌های گفتاری—است. بررسی دقیق این ویژگی‌ها درک ما از روابط قدرت و فرایندهای ایدئولوژیک را تقویت می‌کند. تحلیل متن باید همزمان به «صورت» متن یا بافتار آن نیز توجه کند، زیرا محتوا همواره در قالب صورت‌ها بازنمایی می‌شود و محتواهای مختلف مستلزم صورت‌های متفاوت‌اند؛ به عبارت دیگر، صورت جزئی از محتواست (قنبری عبدالملکی و فیروزیان پور اصفهانی، ۱۴۰۰).

سطح تفسیر

گام دوم مدل فرکلاف بررسی رابطه میان متن، ارتباط و دریافت آن است. این مرحله شامل تحلیل چگونگی بهره‌گیری گوینده از دانش و گفتمان موجود برای خلق متن و پردازش اطلاعات توسط مخاطبان در چارچوب نظام‌های دانش اجتماعی است. ویژگی‌های ساختاری گفتمان بازتاب‌دهنده ساختار اجتماعی بوده و بنابراین زمینه اجتماعی-فرهنگی نیز باید در تفسیر لحاظ شود. بینامتنیت، ارتباط متن با گفتمان‌های پیشین را روشن می‌کند و در سطح کردار گفتمانی، پیام متن به مخاطب منتقل می‌شود (روبین و سانداران، ۲۰۲۳).

سطح تبیین

لایه سوم گفتمان وسیع‌ترین سطح را دربرمی‌گیرد و گفتمان را به عنوان جریان اجتماعی و زمینه‌ای برای بررسی روابط متقابل بین جامعه و ذهن مفسر تحلیل می‌کند. هدف این مرحله، شناسایی قدرت‌هایی است که در سطوح موقعیتی، نهادی و اجتماعی در شکل‌دهی گفتمان نقش دارند (شعبانی و حبیب‌زاده، ۱۴۰۰).

مدل سه‌بعدی فرکلاف شامل سه سطح تحلیل است: سطح توصیفی که بر ویژگی‌های زبانی متن، مانند واژگان، دستور، ساختار و انتخاب‌های موضوعی تمرکز دارد؛ سطح تفسیر یا گفتمانی که به فرآیند تولید و مصرف گفتمان و ارتباط متن با مخاطبان می‌پردازد (فرکلاف، ۱۹۸۵)؛ و سطح تبیین یا عمل اجتماعی که گفتمان را در پرتو زمینه اجتماعی و روابط قدرت تحلیل می‌کند (اشرف و تهیر، ۲۰۲۲).

برای اعتبار سنجی تفسیر حاصل از تحلیل گفتمان‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ترامپ، تحلیل‌نهایی به سه استاد مشاوره، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در دانشگاه‌های علامه طباطبائی و تهران ارائه شد تا ضمن بررسی دقیق متون و تفاسیر، نتایج بدون دخالت مفسر و به‌طور موثق تأیید شوند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل بر اساس رویکرد گفتمان انتقادی فرکلاف از جملات و اظهارات دونالد ترامپ انجام شده است. داده‌ها شامل پست‌ها و جملات وی در شبکه‌های اجتماعی ایکس، اینستاگرام و تروث از دوران کارزار انتخاباتی ۲۰۲۵ تا کنون، سخنرانی تحلیف ریاست جمهوری ۲۰۲۵ و فرمان‌های ده‌گانه اوست. همچنین مصاحبه‌های تلویزیونی و پرسش‌وپاسخ‌های ترامپ با خبرنگاران در حوزه‌های آموزشی، دینی، دیدگاه نسبت به تفاوت‌های نژادی و مذهبی، جنسیت، سیاست و اقتصاد مورد استفاده قرار گرفته است.

سطح توصیف

هم‌آیی واژگان

ترامپ معمولاً از واژگان و جملاتی استفاده می‌کند که بر قدرت، موفقیت و شکست رقبا تأکید دارد و آمریکا را کشوری تصمیم‌گیرنده و شکل‌دهنده رخدادهای جهانی نشان می‌دهد. او همزمان تصویر آمریکا را صلح‌طلب اما مسلح به قدرت نظامی ارائه می‌دهد: «حمله بسیار موفقیت‌آمیز ما به سه سایت هسته‌ای ایران، شامل فردو، نطنز و اصفهان، به پایان رسید. تمام هواپیماها اکنون خارج از حریم هوایی ایران هستند. بمب‌هایی با ظرفیت کامل روی سایت اصلی، فردو، پرتاب شدند. همه هواپیماها در سلامت در راه بازگشت به خانه هستند. تبریک

به جنگجویان بزرگ آمریکایی ما! هیچ ارتش دیگری در جهان قادر به انجام چنین کاری نبود، اکنون زمان صلح است! از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم^۱.

«تسلیم شدن بی قید و شرط»^۲.

«ما اکنون کنترل کامل و مطلق آسمان ایران را در اختیار داریم. ایران تجهیزات ردیاب هوایی خوب و سایر تجهیزات دفاعی داشت — و به مقدار زیاد هم داشت — اما هیچ کدام با تجهیزات ساخته، طراحی و تولید شده در آمریکا قابل مقایسه نیست. هیچ کس بهتر از ایالات متحده آمریکا این کار را انجام نمی دهد»^۳.

استفاده از کلمات تابو با هدف تحقیر رقیبان ترامپ در گفتمان سیاسی خود گستره‌ای از واژگان تحقیرآمیز، توهین آمیز و برچسب‌زننده را به کار می‌گیرد که هم نخبگان سیاسی — به ویژه دموکرات‌ها — هم گروه‌هایی را که «بیگانه» یا «ضد آمریکا» می‌نامد، هدف می‌گیرد. او با اتکای به پوپولیسم ملی‌گرایانه، رسانه‌ها، مهاجران، لیبرال‌ها و مخالفان سیاسی را با زبان خشونت‌بار و قضاوت‌گرانه خطاب می‌کند.

«ما همین حالا اخبار جعلی گرفتیم که بازهم در آن سی‌ان‌ان با نیویورک تایمز بازنده در حال همکاری باهم تقلب می‌کنند! و در این کار اشتباه کردند. این خبرنگاران فقط سعی دارند کار بزرگ خلبانان بی ۲ ما را تحقیر کنند. آن‌ها آدم‌های بد و مریضی هستند. فکر می‌کنید باید به موفقیت بزرگ ما افتخار می‌کردند، به جای اینکه همیشه سعی کنند کشورمان را بد جلوه دهند. نابودی کامل!»^۴

«حمله وحشتناک دیروز در بولدر، کلرادو، در ایالات متحده آمریکا قابل تحمل نخواهد بود. او از طریق سیاست مرزهای باز مضحک بایدن وارد شد، سیاستی که کشور ما را بشدت آسیب‌زده است. او باید تحت سیاست «ترامپ» از کشور اخراج شود. اعمال تروریستی تا حداکثر میزان ممکن طبق قانون تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. این یک نمونه دیگر است از اینکه چرا باید مرزهای خود را

۱ توییت ترامپ، ۲۲ ژوئن، ۲۰۲۵

۲ توییت ترامپ، ۱۷ ژوئن، ۲۰۲۵

۳ توییت ترامپ، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵

۴ توییت ترامپ، ۲۵ ژوئن، ۲۰۲۵

ایمن نگه‌داریم و افراطی‌های غیرقانونی و ضدآمریکایی را از میهنمان اخراج کنیم. قلب من با قربانیان این تراژدی وحشتناک و مردم بزرگ بولدر، کلرادو، است»^۱.

استفاده از زبان غیررسمی

ترامپ با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و زبانی غیررسمی، خود را نماینده مستقیم اراده مردم و رهبر بلاواسطه آن‌ها معرفی می‌کند. او مرزی بین خود و مردم قائل نیست و با کلمات ساده و صمیمی در پست‌ها و پیام‌هایش این ارتباط را تقویت می‌کند.

«قیمت داروها ۵۹٪ کاهش می‌یابد، و حتی بی‌شترا! بنزین، انرژی، مواد غذایی و سایر هزینه‌ها، در حال کاهش هستند. هیچ تورمی وجود ندارد!!! با عشق، دونالد ترامپ»^۲.

«جمهوری‌خواهان منتظر چی هستن؟؟؟ چی می‌خوان ثابت کنن؟؟» «آمریکا را دوباره بزرگ کنید» از این را ضی نیستن و براتون خرج یک رای رو میتراشن»^۳ «ازت خواهش می‌کنم که دوباره آینده هیجان‌زده باشی، دارم ازت می‌خوام دوباره رویای بزرگ داشته باشی، این عصر طلایی جدید آمریکا خواهد بود»^۴ «خیلی پولدار میشیم، دیگه نمی‌دونی اون همه پول رو کجا خرج کنی. دارم بهت میگم. فقط تماشا کن»^۵.

استفاده از ضمایر

ترامپ در پست‌ها و سخنرانی‌هایش به‌طور گسترده از ضمایر «ما» و «من» استفاده می‌کند تا خود را محور اعمال قدرت و تصمیم‌گیری در سیاست داخلی و روابط بین‌الملل نشان دهد. او با برج‌سته سازی نقش فردی‌اش، گاهی حتی با نام خود به خود ارجاع می‌دهد و از اقداماتش تشکر می‌کند تا تصویر رهبری قدرتمند و تعیین‌کننده بسازد.

۱ تویییت ترامپ، ۲ ژوئن، ۲۰۲۵

۲ تویییت دونالد ترامپ، ۱۲ می، ۲۰۲۵

۳ تروث‌های دونالد ترامپ

۴ پست اینستاگرام دونالد ترامپ، ۳۰ اکتبر، ۲۰۲۵

۵ پست‌های اینستاگرام دونالد ترامپ، ۱۰ مارس، ۲۰۲۴

«ما دقیقاً می‌دانیم رهبر ایران کجا پنهان شده است. او یک هدف آسان است، اما آنجا در امان است - ما قصد کشتن او را نداریم، حداقل الآن نه. ولی نمی‌خواهیم به سربازان یا اشخاص غیرنظامی موشک بزنیم

صبر ما اندک است، ممنون که به این موضوع توجه می‌کنید!». «امروز، من یک فرمان اجرایی را امضا کردم برای راه‌اندازی اولین برنامه رسمی خروج داوطلبانه مهاجران غیرقانونی. بیگانگان غیرقانونی که در آمریکا باقی بمانند، با مجازات‌هایی مواجه خواهند شد؛ از جمله اخراج ناگهانی، در زمان و مکانی که فقط ما تعیین می‌کنیم.

خطاب به همه مهاجران غیرقانونی: همین حالا پرواز رایگان خودتان را رزرو کنید!۲
«ممنون پیتسبورگ، پنسیلوانیا! من به پایان می‌رسانم. من ورود تبهکارانی که جنایات را به مرزما می‌آورند، متوقف می‌کنم. من ارتشمان را به جنگ خواهیم کشاند، من صلح را در دنیا باز پس خواهیم گرفت و رویای آمریکا را نجات خواهیم داد!». استفاده از کنایه

ترامپ از کنایه برای تحقیر و کوچک شمردن مخالفان و رقبايش استفاده می‌کند تا نشان دهد تنها او قادر به اجرای سیاست‌های «اول آمریکا» است.

«ما قیمت تخم‌مرغ را به همان سطحی که باید می‌بود، برگرداندیم. وقتی در تاریخ ۲۰ ژانویه (زمان آغاز به کارم) مسئولیت را به عهده گرفتیم، رسانه‌های جعلی فریاد می‌زدند که: «قیمت تخم‌مرغ سر به فلک کشیده، چهار برابر شده!» حالا تخم‌مرغ‌ها فراوان و ارزان هستند، متشکریم رئیس‌جمهور ترامپ!۳. «چه شب فوق‌العاده‌ای بود! یکی از مهم‌ترین لوايحي که تاکنون تصویب شده. ایالات متحده آمریکا، «داغ‌ترین (جذاب‌ترین) کشور جهان است — بدون هیچ رقابت نزدیکی!». «به این فکر کنید که یک کم‌دین نسبتاً موفق، ولادیمیر زلنسکی، از ایالات متحده آمریکا خواست ۲۵۰ میلیارد دلار خرج کند تا وارد جنگی شود که نمی‌توان آن را ببرد. جنگی که هرگز نباید شروع

۱. توییت ترامپ، ۱۷ ژوئن، ۲۰۲۵

۲. توییت و مصاحبه ترامپ با خبرنگاران در کاخ سفید، ۱۰ می، ۲۰۲۵

۳. تروث‌های دونالد ترامپ

۴. تروث‌های دونالد ترامپ

می‌شد! اما جنگی که او بدون ایالات متحده و «ترامپ» داشته باشد هرگز قادر به حل آن نخواهد بود. ایالات متحده آمریکا ۲۰۰ میلیارد دلار بیشتر از اروپا هزینه کرده است و پول اروپا تضمین شده است. در حالی که ایالات متحده چیزی پس نخواهد گرفت. چرا جو بایدن خواب‌آلود خواستار برابری نشد، زیرا این جنگ برای اروپا بسیار مهم‌تر از ماست! استفاده از تکرار و تأکید ترامپ برای تثبیت پیام‌های سیاسی و برجسته سازی دستاوردهایش، از تکرار عباراتی مانند «اول آمریکا» و «آمریکا را دوباره بزرگ کنید» استفاده می‌کند. او با تکرار واژگان و ساختارهای تأکیدی، تلاش می‌کند تصویر رهبری موفق و منجی‌گونه از خود ارائه دهد و پیام‌هایش را در ذهن مخاطبان نهادینه کند. «بزرگ‌ترین کاهش مالیات در تاریخ و اقتصادی در حال رونق، در مقابل بزرگ‌ترین افزایش مالیات در تاریخ و اقتصادی شکست‌خورده. جمهوری خواهان منتظر چی هستن؟؟؟ چی می‌خوان ثابت کنن؟؟؟» «آمریکا را دوباره بزرگ کنید» از این راضی نیستن و براتون خرج یک رای رو می‌تراشن»^۱ به نظر می‌رسد که مجلس نمایندگان امشب آماده رأی‌گیری است. تمام‌روز گفت‌وگوهای فوق‌العاده‌ای داشتیم، و اکثریت جمهوری خواه مجلس کاملاً یکدل هستند، برای خیر کشورمان و ارائه بزرگ‌ترین کاهش مالیات در تاریخ و رشد عظیم اقتصادی. منتظر چی هستید جمهوری خواهان، و بقیه — آمریکا را دوباره بزرگ کنیم»^۲

وجهیت

ترامپ از انواع وجهیت برای تقویت پیام‌های سیاسی خود بهره می‌برد. جملات اخباری او با قطعیت، آینده‌ای قدرتمند را نوید می‌دهد؛ جملات التزامی‌اش بر ضرورت انتخاب و پیامدهای آن تأکید می‌کند؛ و وجه امری در سخنان‌ش نشان‌دهنده موضع اقتدار و تشویق مستقیم به اقدام، به‌ویژه رأی‌دادن، است. او با ترکیب این وجوه، مخاطبان را در وضعیت انتخابی سرنوشت‌ساز قرار می‌دهد و خود را محور تغییر معرفی می‌کند.

«کشور ما بزرگ‌تر، بهتر، جسورتر، ثروتمندتر، امن‌تر و قوی‌تر از قبل خواهد بود. این انتخابات انتخابی است که قرار است بین اینکه آیا چهار سال بی‌کفایتی و شکست دیگر خواهیم داشت یا

۱ پست‌های اینستاگرام دونالد ترامپ، ۱۹ فوریه، ۲۰۲۵

۲ تروث‌های دونالد ترامپ

۳ تروث‌های دونالد ترامپ، ۲۰۲۵

اینکه چهار سال بزرگ‌ترین تاریخ کشورمان را آغاز خواهیم کرد! رأی بدهید!۱. «ممنون کارولینای شمالی! فردا بلند شو به کامالا بگو که بس است خوردی و دیگر نمی‌توانی تحمل کنی، کامالا هریس تو اخراج شدی، با رأی شما، کارولینای شمالی را می‌بریم، کامالا را شکست می‌دهیم و دوباره به آمریکا می‌رویم»۲.

تفسیر

در سطح تفسیر، طبق مدل فرکلاف، تمرکز بر کردار گفتمانی است؛ یعنی بررسی رویدادها در چارچوب گفتمانی و بافتی که آن‌ها را شکل می‌دهد و تلاش برای قانع‌سازی مخاطب. سوالات کلیدی شامل این است: رویداد چیست، چه کسانی درگیرند، روابط میان آن‌ها چگونه است و نقش زبان در پیشبرد رویداد چیست.

در این پژوهش، ترامپ به عنوان جنبشی در ایالات متحده و با تأثیر جهانی، در بافتار گفتمانی خاص خود بررسی شده و اجزای زبانی و گفتمانی آن استخراج می‌شوند.

بینامتنیت

این مرحله به بررسی ارتباط متن‌ها و ارجاع آن‌ها به یکدیگر برای قانع‌سازی مخاطب می‌پردازد. ترامپ به از آغاز فعالیت‌های دونالد ترامپ بر گفتمانی مبتنی بر «عقل سلیم» و حمایت از طبقه کارگر سفیدپوست تأکید داشته و در مخالفت با نخبگان و تئوری پردازان لیبرال دموکرات عمل می‌کند، تا همگرایی مردم و تحقق «رویای آمریکایی» را در برابر دشمنان و بیگانگان نشان دهد.

برای تحلیل ارتباط ترامپ با این گفتمان، ابتدا باید بافتار لیبرال دموکراسی آمریکا بررسی شود. لیبرال دموکراسی شکلی از دموکراسی نمایندگی است که بر حقوق طبیعی و مدنی، برابری سیاسی و قضایی و توزیع قدرت تأکید دارد (پولادی، ۱۳۹۷). این نظام ترکیبی از لیبرالیسم و دموکراسی است و آزادی و برابری را همزمان دنبال می‌کند، اما محدودیت‌هایی برای تحقق کامل آن‌ها ایجاد می‌کند و جنبش‌های کارگری را تعدیل می‌کند (لیبرمن، ۲۰۱۷).

ترامپ کارگران و روستا نشینان سفیدپوست را مخاطب اصلی خود قرار می‌دهد و می‌خواهد نابرابری اقتصادی را کاهش داده و برابری و انصاف را بازگرداند. او از گفتمانی سود می‌جوید که

۱ پست های اینستاگرام دونالد ترامپ، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۴

۲ پست های اینستاگرام دونالد ترامپ، ۴ نوامبر ۲۰۲۴

دموکراسی و برابری را برجسته می‌کند و در پست‌ها و مصاحبه‌ها بر بزرگ کردن آمریکا با مشارکت تمام مردم تأکید دارد. با این حال، ترامپ با نزدیک شدن به ریاست جمهوری، برابری و آزادی را انتخابی تف‌سیر می‌کند و رنگین‌پوستان، مسلمانان، افراد با گرایش‌های جنسی و احزاب مخالف را دشمن می‌خواند؛ این رویکرد برخلاف قانون اساسی آمریکا است.

وقتی رهبری اعمال خود را بر اساس تجسم اراده شخصی و غربالگری مردم انجام دهد، با پوپولیسم اقتدارگرا مواجه می‌شویم. پوپولیسم تاریخی و اجتماعی است، با شعار عدالت، توده‌های محروم را علیه نخبگان بسیج می‌کند و رهبر، تجسم خواست مردم است. در این سیستم، صداهای مخالف خاموش شده و رهبر خود را مدافع بی‌چون‌وچرا می‌داند تا ملت را به شکوفایی برساند (موتقی، ۱۳۹۸). رهبران پوپولیست با انتساب اعمال و گفتار خود به مردم، مشروعیتی می‌یابند که قابل اعتراض نیست (پاپ‌مدسن، ۲۰۲۰).

دموکراسی بر اساس جامعه باز و متنوع شکل گرفته، اما پوپولیسم مبتنی بر هویت جمعی بسته است و فردیت را سرکوب می‌کند. برخی نویسندگان معتقدند «پوپولیسم زمانی پدید می‌آید که نخبگان نتوانند قدرت خود را با تغییرات اجتماعی تطبیق دهند و نیاز به سازگاری مداوم ایجاد شود». پوپولیسم هشداردهنده است و نشان می‌دهد که برای تعادل سیاسی جدید نیاز به ایده‌ها و اقدامات نو است. هیچ تحقیق تجربی نشان نداده که پوپولیسم اصلاح‌کننده دموکراسی است یا شمول گروه‌های حاشیه‌ای را تسهیل می‌کند؛ ادعای تأثیر مثبت آن حداقل توهمی است.

پوپولیسم هرگز صریحاً ضد دموکراسی نیست، بلکه ظاهرسازی دموکراتیک دارد و می‌توان آن را «ادامه دیکتاتوری با ابزارهای دموکراتیک» دانست. پوپولیست‌ها می‌خواهند همه عملکردهای حیاتی نظام را کنترل و قانون اساسی را به سمت استبداد تغییر دهند: «قانون اساسی دیگر به عنوان چارچوب عمل نمی‌کند و ابزار اشغال دولت می‌شود». فرمانروایی قاطع رهبر پوپولیست او را تنها نماینده اراده مردم می‌کند؛ تنها کسانی که از رهبر پیروی می‌کنند، جزو گروه مردم محسوب می‌شوند. پوپولیسم در همزیستی با دموکراسی است، اما آن را به چالش می‌کشد و ذات دموکراسی را تضعیف می‌کند. در خلا دموکراسی است که پوپولیسم ظهور می‌کند (ماوروزاکاراکیس، ۲۰۱۸).

ترامپ با جنبش عوام‌فریبی و نمایندگی گروه‌های به حاشیه رانده شده خود را مدافع دموکراسی معرفی می‌کند، اما دموکراسی برای او تنها ابزار است و هدف واقعی تحقق نمی‌یابد؛ این رویکرد

شباهت به دیدگاه ماکیاوولی دارد. کارشناسان پرسیده‌اند آیا ترامپ یک شاهزاده ماکیاوولی است؛ او با علاقه کم به حقیقت، تغییر مواضع در موقعیت‌های مختلف و تحسین رهبرانی مانند پوتین و رودریگو دوترته، شباهت‌هایی با رهبران سخت دارد (زاگرت، ۲۰۱۸). ماکیاول معتقد است رهبر باید محبوب و ترسناک باشد، اما اگر این ممکن نباشد، بهتر است ترسناک باشد؛ رهبرانی که صرفاً اخلاقی و صادق هستند، در سیاست دوام نمی‌آورند.

مطالعات نشان می‌دهد ترامپ محبوب عمومی نبوده و بیشترین رأی‌دهندگان او سفیدپوستان آمریکایی بوده‌اند که گرایش به اندیشه‌های پوپولیستی دارند (گوپتا و گوپتا، ۲۰۱۷). گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای ترامپ با مضامین ماکیاوولی مانند ترس و قدرت، دست‌کاری و فریب، فرصت‌طلبی و تصویر عمومی در برابر اقدامات شخصی روایت می‌شوند (هاشمی و بال، ۲۰۲۵). بخش عمده این روایت‌ها از پست‌ها و سخنان صریح وی در رسانه‌های اجتماعی و رفتارهایش در مواجهه با تغییرات سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شود.

دونالد ترامپ با ویژگی‌هایی مانند خود ستایی و نارسیتیک بودن (Hart & Stekler, 2022)، عدم پذیرش مشورت کارشناسان، قبول نکردن مسئولیت‌ها (هاجز، ۲۰۱۷) و انکار گفته‌های پیشین خود، ظرفیت تبدیل شدن به رهبری اقتدارگرا را دارد. او با برچسب‌زنی مخالفان به «دشمن و بیگانه» و اخراج یا زندانی کردن آن‌ها، و خفه کردن چند صدایی، خود را نماینده آمریکایی سفیدپوست و مسیحی می‌داند؛ این روند زمینه‌ساز نقض لیبرال دموکراسی و بروز دیکتاتوری است.

شرایط جامعه آمریکا شامل افزایش جمعیت رنگین‌پوست، رکود اقتصادی و کاهش رفاه نسبی سفیدپوستان است. ورود ترامپ و اندیشه‌های رادیکال او باعث افزایش نژادپرستی، آزار مخالفان و مسلمان‌هراسی شده است (خان، ۲۰۲۱؛ پی، ۲۰۱۷). ترامپ با بهره‌گیری از این شرایط، شعار «بزرگ کردن آمریکا» را تبلیغ می‌کند، اما در نگاه او آمریکا محدود به مردان و زنان سفیدپوست مسیحی است و هویت‌های دیگر نادیده گرفته می‌شوند.

تبیین

سطح تبیین در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به کردار اجتماعی توجه دارد و بررسی می‌کند گفتمان‌ها چگونه در بافتار اجتماعی معنا پیدا می‌کنند و چه تأثیراتی ایجاد می‌کنند. در این سطح می‌پرسیم: یک گفتمان با توجه به عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی و قدرت چه هدفی را دنبال می‌کند

و از چه روش‌هایی برای سلطه و قانع کردن مخاطب بهره می‌برد؟ آیا گفتمان موجودیت سیاسی را حفظ می‌کند یا آن را تغییر می‌دهد؟

در این سطح، گفتمان از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی بررسی می‌شود. هدف ما این است که ورای سخنان دونالد ترامپ، گفتمان‌هایی که وی در جامعه آمریکا و روابط بین‌الملل اشاعه می‌دهد را شناسایی کنیم و دریابیم او از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به دنبال تحقق چه اهدافی است.

استخراج گفتمان‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ترامپسم با توجه به بافتار سیاسی و اجتماعی

1- «ترامپ منجی و فرستاده‌ای برحق از سوی خداوند است که می‌تواند بهتر از هر کس دیگری جامعه آمریکایی و سایر ملل را به سعادت برساند».

این گفتمان برگرفته از سخنان دونالد ترامپ است که بارها تأکید کرده خداوند مأموریتی بزرگ بر دوش او گذاشته و هیچ‌کس جز او قادر به انجام آن نیست. ترامپ نجات خود از حملات ترور پیشین را نشانه این مأموریت می‌داند:

«کاری که من در دوره اول رئیس‌جمهوری انجام دادم یک معجزه بود. میدانید موضوع چیست؟ خدا دارد من را امتحان می‌کند. ترامپ: من یک‌بار از خدا پرسیدم: آیا من کارم را خوب انجام دادم؟ خدا گفت: بله. تو یک‌بار انجامش دادی. حالا باید دوباره انجام بدهی! گفتم: من تنها کسی هستم که می‌توانستم این کار را انجام بدهم. خدا گفت: تو نباید این حرف را بزنی! کاری را یک‌بار انجام داده‌ای، دوباره انجام بده». «خدا از جان من گذشت خدایا ممنونم، نه یک‌بار بلکه دو بار، کسانی هستن که می‌گویند او این کار را انجام داد زیرا ترامپ می‌خواهد دولت را تغییر دهد، می‌خواهد کشور را تغییر دهد، می‌خواهد آمریکا را دوباره عالی کند، ما می‌خواهیم که دین را به کشورمان برگردانیم»^۱.

¹ <https://www.aparat.com/v/I22076u>

^۲ <https://www.afkarnews.com/> بخش بین‌الملل - ۱۳۹۲/۸/۱۷ - سخنرانی - ترامپ - در مراسم - تحلیف -

برخی - به - دنبال - حتی - جان - من - بودند - خداوند - من - را - نجات - داد - تا - آمریکا - را - مجدداً - باشکوه - کنم

با وجود این، بسیاری معتقدند دونالد ترامپ فردی مذهبی نبوده و حمایت مسیحیان آمریکا از او بیشتر ناشی از ترس از اقلیت شدن است (ماکارونی، ۲۰۲۳). ترامپ از مفاهیم دین و خداوند برای مشروعیت بخشی به اراده و اقدامات خود استفاده کرده است، اما این ابزار در خدمت اهداف اقتدارگرایانه و منفعت گرایانه اوست. خدای ترامپسم نه خدایی الهی و اخلاقی، بلکه نمادی از پیروزی و منافع جامعه آمریکایی با شعاری دموکراتیک است.

۲- «صلح در آمریکا و در کل جهان تنها به واسطه قدرت آمریکایی است که ایجاد می شود؛ ما تنها تعیین کننده های شکل صلح در جهان هستیم».

ترامپ در این گفتن معتقد است تنها آمریکا با اتکا به قدرت و سلاح های مرگبار قادر به ایجاد صلح جهانی است؛ اما روشن نیست این «صلح» شامل چه کشورها یا گروه هایی می شود. در دوره حضور او، سطح تنش در خاورمیانه، روسیه و اوکراین افزایش یافت و این پرسش را ایجاد می کند که صلح مورد نظر ترامپ بیشتر ناظر به منافع آمریکا و حامیان است تا یک صلح جهانی واقعی. در واقع صلح از نگاه ترامپ با نوعی سلطه طلبی و تبعیت دیگران پیوند می خورد.

«آن ضربه، جنگ را تمام کرد، نمی خواهم از هیروشیما مثال بزنم، نمی خواهم از ناکازاکی مثال بزنم، اما همین جنگ را تمام کرد»^۱ این توافق آتش بس حماسی تنها می تواند در نتیجه پیروزی تاریخی ما در ماه نوامبر اتفاق بیفتد، زیرا به تمام جهان نشان داد که دولت من به دنبال صلح است و برای تضمین امنیت همه آمریکایی ها و متحدانمان مذاکره خواهد کرد. من از بازگشت گروگان های آمریکایی و اسرائیلی به خانه و پیوستن مجدد آنها به خانواده و عزیزان شان هیجان زده ام. با اجرای این توافق تیم امنیت ملی من از طریق تلاش های استیو ویتکاف، فرستاده ویژه خاورمیانه به همکاری نزدیک با اسرائیل و متحدانمان ادامه خواهد داد. ما به ترویج صلح از طریق قدرت در سرای منطقه ادامه خواهیم داد. در حالی که بر اساس این آتش بس، توافق نامه تاریخی ابراهیم را بیشتر گسترش می دهیم. این تنها آغاز اتفاقات بزرگی است که برای آمریکا و در واقع جهان در راه است»^۲.

۳- «آمریکا است که تعیین می کند چه چیزی به صلاح موجودیت ملت ها و حاکمیت ها است».

۱ سخنان دونالد ترامپ در اجلاس سران ناتو، ۲۰۲۵

۲ پست اینستاگرام دونالد ترامپ، ۱۶ ژانویه، ۲۰۲۵

ترامپ در این گفتمان بارها نشان داده که خود و آمریکا را صاحب حق بازتعریف نقشه جهانی می‌داند و درباره حاکمیت و موجودیت ملت‌ها سخن می‌گوید. او در اظهاراتش درباره کانادا، تغییر رژیم در ایران و سرنوشت غزه چنین موضعی را نشان می‌دهد.

«ما صدها میلیارد دلار برای یارانه دادن به کانادا می‌پردازیم. چرا؟ هیچ دلیلی وجود ندارد. ما به چیزی که آن‌ها دارند نیاز نداریم. ما انرژی نامحدودی داریم. باید خودروهای خود را بسازیم و خوب بیشتری نسبت به آنچه می‌توانیم استفاده کنیم داشته باشیم. بدون این یارانه عظیم، کانادا به‌عنوان یک کشور قابل‌دوام، دیگر وجود نخواهد داشت. خشن اما واقعی! بنابراین، کانادا باید پنجاه و یکمین ایالت گرامی ما شود. مالیات بسیار کمتر و حفاظت نظامی بسیار بهتر برای مردم کانادا بدون تعرفه!»، «نوار غزه در پایان جنگ توسط اسرائیل به ایالات متحده آمریکا تحویل داده می‌شد، فلسطینی‌ها، افرادی مانند چاک شومر، از قبل در جوامع بسیار امن‌تر و زیباتر با خانه‌های جدید و مدرن در منطقه اسکان داده می‌شدند. آن‌ها درواقع فرصتی برای شاد بودن، امنیت و آزادی داشتند. ایالات متحده آمریکا با همکاری گروه‌های توسعه‌ای بزرگ از سراسر جهان به‌آرامی و با دقت ساخت چنین چیزی را آغاز می‌کرد که به یکی از بزرگ‌ترین و دیدنی‌ترین تحولات در نوع خود در زمین تبدیل می‌شد. نیازی به سربازان آمریکایی نبود! ثبات در منطقه حکم‌فرما می‌شد!».

«استفاده از واژه «تغییر رژیم» از نظر سیاسی درست نیست؛ اما اگر رژیم کنونی ایران نتواند عظمت را دوباره به ایران برگرداند، چرا نباید تغییری در رژیم صورت بگیرد؟؟؟ ایران را دوباره بزرگ کنید!».

۴- «هرکسی که با سیاست‌های ما مخالف باشد یا در استانداردهای ما برای زن و مرد سفیدپوست آمریکایی ننگنجد، بیگانه و دشمن است و باید نابود گردد».

ترامپ افراد با گرایش‌ها و عقاید متفاوت را دشمن آمریکا می‌داند و آن‌ها را به اخراج یا محاکمه تهدید می‌کند. وی بارها علیه بایدن و کامالا هریس اظهارات تندی داشته و گرایش‌های جنسی متفاوت را برنمی‌تابد.

۱ پست‌های اینستاگرام دونالد ترامپ، ۳ فوریه، ۲۰۲۵

۲ پست‌های اینستاگرام دونالد ترامپ، ۲ فوریه، ۲۰۲۵

۳ توییت دونالد ترامپ، ۲۳ ژوئن، ۲۰۲۵

«در سیاست رسمی دولت من تنها دو جنسیت خواهد بود، مرد و زن. با اشاره قلم من در روز اول ریاست جمهوری ما جنون ترنس را متوقف خواهیم کرد. و من دستور اجرایی ممنوعیت مثله سازی جنسی کودکان را امضا خواهم کرد. افراد ترنس را از ارتش، دبستان‌ها، دوره متوسطه و دبیرستان‌ها بیرون خواهم کرد. و ما اجازه ورود مردان به ورزش زنان را نخواهیم داد. و این احتمالاً از روز اول ریاست جمهوری من خواهد بود. روز اول این کار را بکنم؟ روز دوم یا روز سوم؟ روز اول بهتر است نه؟ در دولت ترامپ این سیاست رسمی دولت آمریکا خواهد بود. که تنها دو جنسیت وجود دارد، زن و مرد»، «این‌ها هیولاهایی هستند که جو بایدن کج و دموکرات‌های چپ رادیکال به کشور ما فرستاده‌اند. چطور جرئت می‌کنند! با تشکر از السالوادور و به‌خصوص رئیس‌جمهور بوکله برای درک شما از این وضعیت وحشتناک که به خاطر رهبری بی‌کفایت دموکرات‌ها اجازه یافت برای آمریکا اتفاق بیفتد فراموش نخواهیم کرد».

ترامپ با این گفتمان مخالفان سیاسی، مهاجران غیر سفیدپوست و افراد با گرایش‌های جنسی متفاوت را تهدید می‌کند. وی گرایش‌های جنسی مدرن را نه به دلیل خطر اخلاقی بلکه برای حفظ معیارهای مشخص «زن و مرد سفیدپوست طبقه متوسط» تهدیدی علیه قدرت و بهره‌وری جامعه آمریکا می‌داند. ترنس‌ها در گفتمان ترامپ نمادی از کاهش قدرت عمومی، افزایش هزینه‌ها و تهدید سبک زندگی آمریکایی هستند (پین-نف و کوهن، ۲۰۲۲).

۵- «مسلمانان جهان به‌واسطه آنچه در قرآن به آن‌ها آموزش داده می‌شود یا تروریست هستند یا ظرفیت بالایی برای اعمال تروریستی دارند، پس مراقب آن‌ها باشید».

گفتمان ترامپ میزان اسلام‌هراسی را در آمریکا و جهان به شدت افزایش داده است (روبین و روبین، ۲۰۲۰). او مسلمانان را تهدیدی برای صلح جهانی معرفی می‌کند و ادعا دارد تعالیم اسلامی زمینه تروریسم را ایجاد می‌کند؛ نگاهی که همه مسلمانان را به‌طور ضمنی دارای ظرفیت خشونت می‌داند. این در حالی است که در کارزارهای انتخاباتی، از نقش مسلمانان در ساختن آمریکا سخن می‌گوید. تناقض آشکار این است که او درحالی مسلمانان را عامل ناامنی معرفی می‌کند که خود از رفتارهای خشونت‌بار رژیم اسرائیل در منطقه حمایت کرده و آن اقدامات را «صلح‌طلبانه» می‌خواند. همچنین شکل‌گیری

1. <https://www.youtube.com/shorts/K57k-1jvDGI>

۲ پست اینستاگرام دونالد ترامپ، ۱۷ مارس، ۲۰۲۵

گروه‌های رادیکال مانند داعش و القاعده ارتباطی جدی با سیاست‌های آمریکا داشته است (چنگو، ۲۰۱۴) و ترور سردار قاسم سلیمانی — که نماد مبارزه با جریان‌های تکفیری بود — نمونه‌ای از همین سیاست متناقض است. این وضعیت پرسش‌برانگیز است: آیا ترامپ واقعاً چنین برداشت‌هایی دارد یا از این گفتمان برای پیشبرد پروژه‌ای امپریالیستی و حذف صدهای مقاوم بهره می‌برد؟

«مجرى: آیا فکر می‌کنید که اسلام در جنگ با غرب است؟»

ترامپ: من فکر می‌کنم اسلام از ما متنفر است در اینجا چیزی وجود دارد یک نفرت عظیم، یک نفرت عظیم. ما باید دقیقاً بفهمیم که این از کجا می‌آید یک نفرت غیرقابل‌باور نسبت به ما وجود دارد.

مجرى: در خود اسلام؟

ترامپ: تو باید خودت این را بفهمی باشه؟ شاید یک جایزه پولیتزر دیگر هم بری درست است؟ اما باید خودت این را بفهمی. اما یک نفرت عظیم وجود دارد، ما باید بسیار هو شیار با شیم باید بسیار محتاط باشیم و نباید اجازه دهیم افرادی که از ایالات متحده و از غیرمسلمانان متنفر هستند وارد این کشور شوند.

مجرى: پس سؤال این است که آیا جنگی بین غرب و اسلام رادیکال وجود دارد یا جنگ بین

غرب و اسلام؟

این اسلام رادیکال است اما تعریف آن بسیار سخت است، تفکیک آن بسیار دشوار است زیرا واقعاً تو نمی‌دونی چه کسی رادیکال است یا نیست. «آنچه ما ساخته‌ایم بزرگ‌ترین، و وسیع‌ترین، باورنکردنی‌ترین ائتلاف و بزرگ‌ترین جنبش سیاسی تاریخ آمریکا است. این از مردان و زنان زحمتکش تشکیل شده است که این کشور را اداره می‌کنند... ما مسیحیان و یهودیان، کاتولیک‌ها و انجیلی‌ها، مسلمانان و مورمون‌ها را متحد می‌کنیم و همه‌کسانی که می‌خواهند آمریکا را دوباره بزرگ کنند»^۲.

۶- «چندرنگی فرهنگی از بین برنده هویت آمریکایی است، پس برگردید به همان‌جایی که از آن

متولد شده‌اید».

^۱ <https://www.afkarnews.com/>

۲ پست‌های اینستاگرام دونالد ترامپ، ۳۱ اکتبر، ۲۰۲۴

ترامپ در مواضع خود مدعی حمایت از طبقه کارگر سفیدپوست آمریکایی است و حضور مهاجران غیرسفید و غیرمسیحی را تهدیدی برای منافع «آمریکایی واقعی» می‌داند. او خواهان محدودیت شدید مهاجرت و کاهش سهم گروه‌هایی است که به‌زعم او در شکل‌گیری «هویت آمریکایی» نقشی ندارند؛ در حالی که بخش بزرگی از پیشرفت آمریکا محصول نیروی انسانی و سرمایه مهاجران بوده است. ترامپ با تأکید بر «محل تولد»، آمریکایی‌بودن را به سفیدپوستی گره می‌زند؛ تا جایی که حتی او با ما را آمریکایی نمی‌داند. این نگاه، خود تناقضی آشکار دارد: اگر قرار بر بازگشت به «محل تولد» باشد، سفیدپوستان باید آمریکا را به صاحبان اصلی آن، یعنی سرخپوستان، بازگردانند.

«دولت (فاسد) در محافظت از شهروندان باشکوه و مطیع ما شکست می‌خورد، اما برای جنایتکاران خطرناک که بسیاری از آن‌ها از زندان‌ها و مؤسسات روانی آمده‌اند و به‌طور غیرقانونی از سراسر جهان وارد کشور ما شده‌اند پناهگاه و محافظت فراهم می‌کند. ما دولتی داریم که بودجه نامحدودی را برای دفاع از مرزهای خارجی اختصاص می‌دهد، اما از دفاع از مرزهای آمریکا یا مهم‌تر از آن، از دفاع از مردم خود خودداری می‌کند.»^۱ ممنوعیت سفر را دوباره اعمال می‌کنم، پذیرش پناهندگان را تعلیق کرده، اسکان مجدد آن‌ها را متوقف کرده و تروریست‌ها را از کشورمان دور می‌کنم.^۲

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تحلیل گفتمان‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی جنبش ترامپ‌پسزم بر پایه الگوی سه‌سطحی فرکلاف بود. بررسی سخنان ترامپ در شبکه‌های اجتماعی و مصاحبه‌ها نشان داد که او گفتمانی مبتنی بر قدرت، تهدید، تحقیر مخالفان، خودبزرگ‌بینی و برتری‌طلبی آمریکایی می‌سازد. ترامپ با زبان غیررسمی و ارتباط مستقیم، تلاشی آگاهانه برای خاموش‌سازی صداهای مخالف و ایجاد هم‌هویتی میان «خود» و «مردم» به کار می‌گیرد. کاربرد گسترده ضمیر «من» و «ما»،

۱ سخنرانی ترامپ در مراسم تحلیف ریاست جمهوری، ۲۰۲۵

۲ سخنان ترامپ در فرمان‌های ده گانه، نخستین روزهای ریاست جمهوری، ۲۰۲۵

جملات امری و اخباری همراه با تکرار و تأکید، مهم‌ترین ابزار او برای القای قطعیت و ایجاد اطاعت نمادین است.

با اینکه ترامپ در چارچوب لیبرال‌دموکراسی آمریکا ظاهر می‌شود، اما تحلیل گفتمان او حاکی از ظهور نوعی پوپولیسم ملی‌گرایانه و اقتدارطلب است که به الیگارشی و نفوذاً شیم پهلومی‌زند. او نه تنها در مورد جامعه آمریکا بلکه درباره موجودیت دولت‌ها و ملت‌های دیگر نیز اظهار نظر کرده و ظرفیت اقتدار خود را در سطح سیاست جهانی به نمایش می‌گذارد. گفتمان او در مجموع بر محورهای چون منجی‌سازی از ترامپ، نقش آمریکا به مثابه حافظ صلح از طریق زور، تعیین سرنوشت سایر کشورها، بیگانه‌سازی مخالفان، سفیدسازی هویت ملی آمریکا و تروریست‌انگاری مسلمانان استوار است؛ گفتمان‌هایی که پیامدهای جدی سیاسی، قومی و انسانی به‌ویژه در خاورمیانه داشته‌اند.

ترامپ با نقد لیبرالیسم و جهانی‌شدن، که با وجود دستاوردهای اقتصادی و ژئوپلیتیک برای آمریکا شکاف طبقاتی و نارضایتی اجتماعی را افزایش داده، بر موج این نارضایتی سوار شده است. او با حمله به «لیبرالیسم نخبگان»، نوعی نئولیبرالیسم مبتنی بر منافع طبقه کارگر سفیدپوست را تبلیغ می‌کند و با ابزارهای ماکیاوولی به دنبال تقویت قدرت داخلی آمریکا و افزایش سهم آن در نظام بین‌الملل است (استوکر، ۲۰۱۸). در مجموع، ترامپیسم تلاشی برای بازتعریف نظم اجتماعی و جهانی است که در آن منافع و هویت آمریکای سفید و مسیحی در مرکز قرار می‌گیرد و دیگران یا باید تابع باشند یا کنار زده شوند.

با روی کار آمدن یک حکومت اقتدارگرا و فاصله گرفتن هرچه بیشتر از دموکراسی آمریکایی، پیامدهای مهمی در جامعه آمریکا و جهان قابل پیش‌بینی است. از این‌رو دولت‌ها باید از هم‌اکنون مواضع خود را در برابر بازگشت قدرت‌های اقتدارگرا روشن کرده و برای پیشگیری از آسیب‌های روایتی، جانی و روان‌شناختی شهروندان، سیاست‌های مناسب و چندبعدی تدوین کنند.

امروزه جنبش‌ها پیش از هر چیز در عرصه روایت‌ها عمل می‌کنند؛ آن‌ها با بهره‌گیری از رسانه‌ها افکار عمومی را برای پذیرش سیاست‌های مدنظر قدرت آماده می‌سازند و آرمان‌های پوچ خود را در هیئت حقیقت عرضه می‌کنند. چنین فرایندی مخاطبان را در کوتاه‌ترین زمان درگیر کرده و زمینه را برای ظهور نوعی استکبار نوین فراهم می‌آورد؛ استکباری که خود را در پوششی صلح‌طلب و مردم‌محور پنهان کرده است.

فهرست منابع

- بهرامی رهنما، خدیجه و آریان، حسین (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان انتقادی رمان «ماهی‌ها در شب می‌خوابند» بر اساس آرای نورمن فرکلاف. متن پژوهی ادبی، ۲۴ (۸۵)، ۳۱۴-۲۸۵.
- پولادی، کمال (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی دموکراسی لیبرال و دموکراسی گفتگویی (رویکرد کشورهای غربی). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰ (۳)، ۱۶۱-۱۷۹.
- شعبانی، منصور و حبیب زاده، میثاق (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های رو س‌ای جمهور پیدشین جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد. جستارهای زبانی، ۱۲ (۶۴)، ۴۳۷-۴۰۵.
- عزیز خانی، مریم و شاملی، نصراله (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه فرکلاف (مطالعه موردی توصیف ناکتین). پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۹ (۳۶)، ۳۷-۲۱.
- قهرمانی، علی و بیدار، فاضل (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه بر اساس تئوری نورمن فرکلاف. پژوهشنامه امامیه، ۵ (۹)، ۱۷۵-۱۹۸.
- قنبری عبدالملکی، رضا و فیروزیان پورا صفهانی، آیلین (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان انتقادی زمان چشم‌هایش از بزرگ علوی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف. زبان پژوهی، ۱۳ (۴۰)، ۱۱۵-۱۴۲.
- موثقی، احمد (۱۳۹۸). پوپولیسم سیاسی-اقتصادی و فرهنگی، دموکراسی و توسعه. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴ (۴۹)، ۱۱۹۳-۱۲۱۰.
- یزدی، میثم (۱۳۹۸). روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی فرکلاف در مطالعات سازمانی و رویدادهای هنر. پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ۲ (۱)، ۱۱۳-۱۳۲.
- Ashcroft, A. (2016). Donald Trump: Narcissist, psychopath or representative of the people?. *Psychotherapy and Politics International*, 14(3), 217-222.
- Ashraf, K., & Tahir, S. (2022). Analyzing Language and Power Relationship; A Critical Discourse Analysis of Imran Khan's Speeches. *Review of Education, Administration & Law*, 5(1), 39-48.
- Chernyavskiy, A., Ilvovsky, D., & Nakov, P. (2024, March). Unleashing the Power of Discourse-Enhanced Transformers for Propaganda Detection. In *Proceedings of the 18th Conference of the European Chapter of the Association for Computational Linguistics (Volume 1: Long Papers)* (pp. 1452-1462).
- Chengu, G. (2014). America created Al-Qaeda and the ISIS terror group. *Global Research*, 19.
- Dyrberg, T. B. (2012). The political and politics in discourse analysis. In *Laclau* (pp. 241-255). Routledge.

- Fitzsimmons, S. (2022). Personality and adherence to international agreements: The case of President Donald Trump. *International Relations*, 36(1), 40-60.
- Fairclough, N. L. (1985). Critical and descriptive goals in discourse analysis. *Journal of pragmatics*, 9(6), 739-763.
- Gupta, K., & Gupta, S. (2017). Antidisestablishmentarianism in the American Election: The Rise of Donald Trump and Far Right Parties in Europe, Identity Politics in the Light of Niccolo Machiavelli's Treatise-'The Prince'. *Journal of Global Economy*, 13(4), 250-267.
- Hart, J., & Stekler, N. (2022). Does personality "Trump" ideology? Narcissism predicts support for Trump via ideological tendencies. *The Journal of Social Psychology*, 162(3), 386-392.
- Hodges, A. (2017). Responsibility and Evidence in Trumpian Discourse. *Anthropology News*, 58(6), e239-e243.
- Hashmi, N., & Bal, A. S. (2025). Machiavelli and Trump: The Media's Portrayal of a Want-to-Be Prince. In *Machiavelli, Marketing and Management* (pp. 156-172). Routledge.
- Khan, M. H., Qazalbash, F., Adnan, H. M., Yaqin, L. N., & Khuhro, R. A. (2021). Trump and Muslims: A critical discourse analysis of Islamophobic rhetoric in Donald Trump's selected tweets. *Sage Open*, 11(1), 21582440211004172.
- Lieberman, R., Mettler, S., Pepinsky, T. B., Roberts, K. M., & Valelly, R. (2017). Trumpism and American democracy: History, comparison, and the predicament of liberal democracy in the United States. *Comparison, and the Predicament of Liberal Democracy in the United States* (August 29, 2017).
- McAdams, D. P. (2021). The episodic man: How a psychological biography of Donald J. Trump casts new light on empirical research into narrative identity. *Europe's Journal of Psychology*, 17(3), 176.
- Maccaroni, A. (2023). Christian nationalism in support for Donald Trump. *Perspectives*, 15(1), 5.
- Mavrozacharakis, E. (2018). Populism and democracy: An ambiguous relationship. *European Quarterly of Political Attitudes and Mentalities*, 7(4), 19-35.
- Mercieca, J. (2018). Afterword: Trump as Anarchist and Sun King.
- Nai, A., & Maier, J. (2021). Can anyone be objective about Donald Trump? Assessing the personality of political figures. *Journal of Elections, Public Opinion and Parties*, 31(3), 283-308.

- Nai, A., Martínez i Coma, F., & Maier, J. (2019). Donald Trump, populism, and the age of extremes: Comparing the personality traits and campaigning styles of Trump and other leaders worldwide. *Presidential Studies Quarterly*, 49(3), 609-643.
- Popp-Madsen, B. A. (2020). Should we be afraid? Liberal democracy, democratic backsliding, and contemporary populism.
- Pei, S. (2017). White supremacy and racial conflict in the Trump Era. *International Critical Thought*, 7(4), 592-601.
- Pepin-Neff, C., & Cohen, A. (2022). President Trump's transgender moral panic. In *The Trump Administration* (pp. 219-234). Routledge.
- Rubin, G., & Rubin, G. (2020). Donald Trump, Twitter, and Islamophobia: The end of dignity in presidential rhetoric about terrorism. *Presidential Rhetoric on Terrorism under Bush, Obama and Trump: Inflating and Calibrating the Threat after 9/11*, 105-128.
- Rubing, G., & Sandaran, S. C. (2023). A critical discourse analysis of news discourse on in the times. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 13(1), 968-984.
- Sabir, M. (2023). Norman Fairclough's Model as a Research Tool in the Critical Discourse Analysis of Poem 'If You Want to Know Me'. *Repertus: Journal of Linguistics, Language Planning and Policy*, 1-12.
- Stokes, D. (2018). Trump, American hegemony and the future of the liberal international order. *International Affairs*, 94(1), 133-150.
- Thompson, J. (2017). Understanding Trumpism: the New President's Foreign Policy. *SIRIUS-Zeitschrift für Strategische Analysen*, 1(2), 1-6.
- Wu, F., & Li, X. (2020). The ideology of Trumpism and white supremacy in the post-globalization geo-political struggling. *International Relations and Diplomacy*, 8(12), 503-504.
- Zuckert, C. (2018). Trump as a Machiavellian prince? Reflections on corruption and American constitutionalism. In *Trump and Political Philosophy: Patriotism, Cosmopolitanism, and Civic Virtue* (pp. 73-87). Cham: Springer International Publishing.